

اهمیت اقامه نماز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهمیت اقامه نماز

بعد از طرح مباحث کلی، فواید و آداب نماز در مقاله گذشته، در اینجا به اهمیت نماز، عوامل رد و اثرات ترک آن و نیز اصناف نمازگزاران می‌پردازیم.

پنج نکته از نکاتی که اهمیت نماز را مبرهن می‌سازد و نیز چهار مورد از مواردی که از عوامل رد نماز شمرده می‌شود و همچنین آثار ترک این فریضه مهم از جمله مباحثی است که در این مقاله به آن پرداخته شده است.

اهمیت نماز

بی تردید مهمترین شعار اسلام و برترین نشانه مسلمان نماز است، عبادتی که با هیچ عمل دیگر همسنگ نبوده و هیچ چیزی جایگزین آن نمی‌شود، به چند نمونه از وجوه اهمیت نماز در قرآن و سنت اشاره می‌کنیم:

۱- نماز در قرآن بیش از هر عبادتی تکرار شده است. هیچ عبادتی در قرآن به اندازه نماز ذکر آن به میان نیامده است، این واژه و مشتقات آن بیش از نود مرتبه در قرآن کریم به صورتهای مختلف و سیخه‌های گوناگون چون صلاة، صلوات، مصلین، وارد شده است.

۲- نماز، اولین عبادت واجب شده است. جو اختناق‌آور مکه و هول و اضطراب مسلمانان در آنجا، به آنان اجازه نمی‌داد که فرایضی داشته باشند و بتوانند واجبات عملی خود را به جا آورند، و لذا بعد از هجرت، مسلمین مکلف به واجبات گشته‌اند، در حالی که طبق آنچه که از تاریخ اسلام در کتب روایی چون ابواب ۲ و ۱۳ از ابواب اعداد فرائض در جلد سوم وسائل‌الشیعة و نیز کتب تاریخی برمی‌آید، نماز در شب معراج واجب گشته است و تاریخ این واقعه مهم هرچند دقیقاً معین نگشته است، اما وقوع آن در مکه و قبل از هجرت بنا بر آنچه که از اولین آیه سوره اسرا بدست می‌آید قطعی است؛ لذا با این استدلال می‌توان گفت: نماز اولین واجب بر مسلمین بوده است.

۳- نماز ستون دین است.
قال الباقر علیه السلام: **الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ، مَثَلُهَا كَمَثَلِ عَمُودٍ**

الْفُسْطَاطِ، إِذَا ثَبَتَ الْعَمُودُ ثَبَتَ

الْأَوْتَادُ وَالْأَطْنَابُ وَإِذَا مَا الْعَمُودُ وَانْكَسَرَ لَمْ يُثْبِتْ وَتَدَّ، وَلَا طَنْبٌ^۱.
 نماز ستون دین است، مثل نماز مانند ستون خیمه است، اگر ستون ثابت باشد، میخ و طناب ثابت هستند ولی اگر ستون کج شود و بشکند نه میخی می ماند و نه طنابی.

۴ - نماز افضل اعمال است.
قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ طَاعَةَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ خِدْمَتُهُ فِي الْأَرْضِ، وَلَيْسَ شَيْءٌ مِنْ خِدْمَتِهِ يَعْجَلُ الصَّلَاةَ، فَمِنْ ثَمَّ نَادَتِ الْمَلَائِكَةُ زَكَرِيَّا وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ^۲.
 عبادت خدای عز و جل، خدمت وی بر زمین است و خدمت او مساوی نماز می باشد و خدمتی بالاتر از نماز وجود ندارد و به همین خاطر است که ملائک، حضرت زکریا را هنگامی که نماز اقامه می کند، می خوانند.
 و نیز فرمود: **حِجَّةٌ أَفْضَلُ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا، وَصَلَاةٌ فَرِيضَةٌ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ حِجَّةٍ^۳.**
 یک حج، از دنیا و آنچه در آن است بالاتر است و نماز واجب از هفتاد حج بالاتر می باشد.

۵ - اولین عبادت مورد مؤاخذه نماز است.
 در میان اصول دین اولین اصل مورد بازخواست، شهادتین و ولایت است.
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ إِنَّ أَوَّلَ مَا يُسْأَلُ عِنْدَهُ الْعَبْدُ بَعْدَ مَوْتِهِ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّكَ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا جَعَلَهُ اللَّهُ وَجَعَلْتُهُ لَكَ...^۴
 ای علی، اولین چیزی که بعد از مرگ انسان از وی سؤال می کنند، شهادت به وحدانیت (لا اله الا الله)، رسالت (محمداً رسول الله) و ولایت تو به آنچه که خدای برای تو قرار داده و نیز آنچه من برای تو قرار داده ام، می باشد.
 ولی در میان فروع دین اولین واجب مورد بازخواست، نماز است.
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَوَّلُ مَا يُنْظَرُ فِي عَمَلِ الْعَبْدِ فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي صَلَاتِهِ، فَإِنْ قَبِلَتْ نُظِرَ فِي غَيْرِهَا، وَإِنْ لَمْ تُقْبَلْ لَمْ يُنْظَرْ فِي عَمَلِهِ بَشَيْءٍ^۵.
 اولین عملی که روز قیامت به آن نگاه می شود، نماز است اگر مورد قبول واقع شود به غیر آن نظر می کنند و اگر مورد قبول

^۱ - (وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۷).

^۲ - همان، ص ۲۶.

^۳ - همان، ص ۲۷.

^۴ - (تفسیر برهان، «طبع قدیم»، ص ۱۲۱۶).

^۵ - (بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۲۲۷).

واقع نشود به هیچ عملی نگاه نمی‌نمایند.
جواب این سؤال را که چرا خداوند متعال، بقیه اعمال کسی
که تنها نماز نخوانده است
نادیده می‌گیرد، از حضرت امیر علیه السلام جویا می‌شویم. آن حضرت
به محمد بن ابی‌بکر در
زمان استانداری وی در مصر می‌فرماید:
**وَاعْلَمُ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبَعٌ لِمَصَلَاتِكَ وَاعْلَمُ أَنَّ مَنْ ضَيَّعَ
الصَّلَاةَ فَهُوَ لِيُغَيِّرَهَا**

أَضِيعُ^۱.

بدان [ای محمد]، که هر عملی از اعمال تو تابع نماز توست، و بدان کسی که نمازش را ضایع کند غیر آن را ضایع‌تر می‌سازد.

در پایان این قسمت از بحث به ذکر درخواست امام حسین علیه السلام برای تأخیر جنگ از عصر تا سوعا به صبح عاشورا می‌پردازیم.

امام خطاب به حضرت ابالفضل می‌فرمایند:
فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُؤَخِّرَهُمْ إِلَى غَدْوَةٍ وَ تَدْفَعَهُمُ الْعَشِيَّةَ لَعَدْنَا نُصَلِّيَ لِرَبِّنَا اللَّيْلَةَ وَ نَدْعُوهُ وَ نَسْتَغْفِرُهُ فَهُوَ يَعْلَمُ أَنِّي كُنْتُ قَدْ أَحْبَبْتُ الصَّلَاةَ لَهُ وَ تِلَاوَةَ كِتَابِهِ وَ كَثْرَةَ الدُّعَاءِ وَ الْأَسْتِغْفَارِ^۲.

[ای ابالفضل] اگر می‌توانی آنها را تا به فردا تأخیر انداز و امشب آنان را از ما دفع کن تا برای پروردگاران نماز بخوانیم و دعا و استغفار کنیم. خدا می‌داند که من نماز برای او و تلاوت قرآن و دعای زیاد و استغفار را دوست دارم. آیه ذیل، ضمن بیان اهمیت همه نمازها، برتری نماز وسطی را در این زمینه یادآور می‌شود.

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ^۳.

به نمازها مخصوصاً نماز وسطی اهمیت دهید و از روی خضوع برای خدا بپاییزید. در اینکه نماز وسطی چه نمازی است، مفسرین شیعه و سنی نظرات گوناگونی دارند، غالب مفسران شیعه نماز ظهر و اکثر مفسران سنی نماز عصر را نماز وسطی می‌شمارند.

عوامل ردّ نماز

در این بخش، عواملی که موجب ردّ نماز و عدم قبول آن می‌شود ذکر می‌گردد.

۱- پرهیز نکردن از گناه

نماز کسی که در کنار نماز مرتکب گناهان و معصیتهایی می‌شود، و نماز وی، او را از گناه باز نمی‌دارد مورد قبول واقع نمی‌شود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَوْ صَلَّيْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْأَنْثَى وَ تَارِي وَ صُمُّمْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْحَنَائِيَا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْكُمْ إِلَّا بَوْرَعٌ^۴.

اگر آنقدر نماز گزارید تا اینکه چون وتر کمان شوید، و آنقدر روزه بگیرید که مانند کمان خم شوید، از شما نمازی جزء با

ورع و پرهیز از گناه پذیرفته نمی‌شود.

این روایت بیانی کلی دارد و همه گناهان را شامل می‌شود ولی در برخی روایات به

^۱- (همان، ج ۸۳، ص ۲۴).

^۲- (همان، ج ۴۴، ص ۳۹۲).

^۳- (سوره بقره، آیه ۲۳۸).

^۴- (همان، ج ۸۴، ص ۲۵۸).

نمونه‌هایی از گناهان چون: عاق والدین، غیبت، شرب خمر...
 تصریح شده است. دو نمونه
 از این اخبار را بیان می‌کنیم.
قال الصادق علیه السلام: مَنْ نَظَرَ إِلَىٰ أَبِيهِ نَظَرَ مَا قَرَبَتْ وَهُمَا ظَالِمَانِ لَهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ الصَّلَاةَ.^۱
 کسی که به پدر و مادرش که به وی ظلم نموده‌اند، با خشم بنگرد، نمازش قبول نیست.
قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مَسْلِمَةً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهُ وَلَا صِيَامَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَلَيْلَةً إِلَّا أَنْ يَغْفِرَ لَهُ صَاحِبُهُ.^۲
 کسی که از مرد و زن مسلمانی غیبت کند، نماز و روزه وی تا چهل شبانه روز قبول نیست؛ مگر اینکه از گناه وی درگذرند.

۲ - تحصیل مال حرام

یکی از عوامل ردّ نماز، حلال نبودن مطعم و ملبس و سکنی است. کسی که غذای وی از حرام باشد و پوشاک او از مال حرام تهیه شده باشد و یا مسکن و فضای نماز او از مال حرام و یا غصب به دست آمده باشد و یا حقوق شرعیه اموال خود را پرداخت نکند، نماز وی مورد قبول درگاه احدیت قرار نمی‌گیرد.
قال علی علیه السلام: أَنْظِرْ فِيمَ تُصَلِّي وَعَلَىٰ مَا تُصَلِّي إِنْ لَمْ تَكُنْ مِنْ وَجْهِهِ وَجَلَّهِ فَلَا قَبُولَ.^۳
 بنگر در چه چیزی و بر چه چیزی نماز می‌خوانی که اگر از طریق حلال نباشد، نماز قبول نمی‌شود.
قال الصادق علیه السلام: لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا زَكَاةَ لَهُ.^۴
 آن کس که زکات و حقوق شرعی پرداخت نکرده، نمازش مورد قبول واقع نمی‌شود.

۳ - استخفاف نماز

یکی دیگر از عوامل عدم پذیرش نماز کوچک شمردن نماز است.
 امام صادق علیه السلام می‌فرماید: گاهی پنجاه سال از عمر کسی می‌گذرد در حالی که یک نماز وی قبول نشده است.
قال الصادق علیه السلام: وَاللَّهِ إِنَّهُ لَيَأْتِي عَلَى الرَّجُلِ خَمْسُونَ سَنَةً وَمَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ صَلَاةً وَاحِدَةً فَأَيُّ شَيْءٍ أَشَدُّ مِنْ هَذَا؟^۵
 گاهی بر کسی پنجاه سال می‌گذرد و یک نماز وی مورد قبول واقع نشده است، چه چیزی از این بدتر می‌شود؟

^۱ - (همان، ج ۷، ص ۷۴، ص ۶۱).

^۲ - (همان، ج ۷، ص ۷۵، ص ۲۵۸).

^۳ - (همان، ج ۸، ص ۸۴، ص ۲۳۰).

^۴ - همان، ص ۲۵۲.

^۵ - (همان، ج ۸، ص ۸۴، ص ۲۶۱).

کسی که نماز را كوچك شمارد، نه تنها نماز وی مورد پذیرش
نیست، بلکه طبق روایت از
حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از دایره اسلام نیز خارج است.

لَيْسَ مِنِّي مَنْ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ، لَا يَرُدُّ عَلَيَّ الْحَوْضَ، لَا وَاللَّهِ.^۱
از من نیست کسی که نماز را کوچک شمارد. به خدا سوگند در کنار حوض کوثر بر من وارد نمی‌شود.
آن حضرت در روایت دیگر، جایگاه کوچک شمارنده نماز را در
قیامت، آتش می‌داند:

لَا تُضَيِّعُوا صَلَاتِكُمْ فَإِنَّ مَن ضَيَّعَ صَلَاتَهُ حُشِرَ مَعَ قَارُونَ وَهَامَانَ
وَكَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ
يَدْخُلَهُ النَّارَ مَعَ الْمُنَافِقِينَ.^۲

نماز خود را ضایع نکنید، هر کس نماز خود را ضایع کند با قارون و هامان محشور می‌شود، و بر خدا
حق است که او را با
منافقین وارد آتش کند.

علت دخول وی در آتش این است که شفاعت آل محمد عليهم السلام به
وی نمی‌رسد.

قال الصادق عليه السلام: إِنَّ شَفَاعَتَنَا لِاتِّنَالِ مُسْتَخِفًّا بِالصَّلَاةِ.^۳

شفاعت ما به کسی که نماز را کوچک شمارد نمی‌رسد.

اصولاً استخفاف نماز و شتاب در آن برای انجام مشغله‌ای از
امور دنیوی است. باید دانست

که توان انجام آن کار و مهیا شدن شرایط انجام آن، و
اساساً خیر و یا شر بودن عاقبت آن

عمل بدست خداوند است، پس چه بهتر که نماز با تأنی و
طمأنینه اقامه شود و انجام آن

عمل را از خدا بخواهیم تا اگر در وی مصلحتی هست به
بهترین شکل عطا فرماید.

قال الصادق عليه السلام: إِذَا قَامَ الْعَبْدُ فِي الصَّلَاةِ فَخَفَّفَ صَلَوَتَهُ،

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى

لِمَلَائِكَتِهِ، أَمَا تَرَوْنَ إِلَى عَبْدِي كَأَنَّهُ يَرَى أَنْ قَضَاءَ حَوَائِجِهِ

بِيَدِ غَيْرِي أَمَا يَعْلَمُ أَنْ قَضَاءَ

حَوَائِجِهِ بِيَدِي.^۴

وقتی بنده برای اقامه نماز بپا می‌خیزد و نماز را با شتاب می‌خواند، خدای تبارک و تعالی به ملائک
می‌فرماید آیا به

بنده ام نمی‌نگرید، گو یا گمان می‌کنند بر آورده شدن
نیازهایش بدست غیر من است، آیا نمی‌داند قضا حوائجش

بدست

من است.

بدتر از استخفاف نماز، کم کردن اجزا و شرایط آن به
واسطه عجله زیاد است. گاه دیده

می‌شود نمازگزار حروف کلمات را چنان سریع می‌خواند که
گویی در حال مسابقه است،

گاه در نمازهای اخفائیه فقط لبها را می‌جنباند و چیزی
نمی‌گوید، گاه ایستادن بعد از

^۱- (همان، ج ۸۳، ص ۹).

^۲- (وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۱۹).

^۳- (بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۲۳۶).

^۴- (وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۲۴).

رکوع یا نشستن بعد از سجده دوم (جلسه استراحت) را ترك
می‌کند و... اینها همه از
مصادیق سرقت در نماز است.
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: **أَسْرَقُ السُّرَّاقِ مَنْ سَرَقَ مِنْ صَلَاتِهِ يَغْنَى لَا
يَتِمُّهَا**^۱.
دزدترین دزدان، کسی است که از نمازش بدزدد، یعنی آن را ناتمام بهجا آورد.

^۱- (بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۲۶۳).

۴ - ریا

آخرین عاملی که در این مقوله متذکر می‌شویم انجام فریضه نماز برای غیر خدا و یا شریک قرار دادن غیر خدا در عمل است. اثر این گناه به قدری عظیم است که عمل هر قدر سنگین را تباه و نابود می‌کند و علاوه اینکه گناه و معصیت از آن می‌سازد. در این زمینه دو روایت را بیان می‌کنیم.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: **إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَقْبَلُ عَمَلًا فِيهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ رِيَاءٍ**^۱.
خداوند عملی را که ذره‌ای در آن ریا باشد نمی‌پذیرد.

قال الصادق عليه السلام: **يُجَاءُ بِعَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَمَةِ قَدْ صَلَّى فَيَقُولُ: يَا رَبِّ صَلَّيْتُ ابْتِغَاءً وَجْهَكَ، فَيُقَالُ لَهُ: بَلْ صَلَّيْتُ لِيُقَالَ مَا أَحْسَنَ صَلَاةَ فُلَانٍ إِذْ هَبُوا بِهِ إِلَى النَّارِ**^۲.

روز قیامت بنده نماز خوانی را می‌آورند می‌گویند: خدایا برای تو نماز خوانده‌ام، به وی می‌گویند: نماز خواندی تا مردم بگویند چقدر زیباست نماز فلانی، با آن به جهنم برو.

ترك نماز

آیه شریفه ذیل و دهها آیه و روایت دیگر، بر وجوب نماز تصریح می‌کنند.

... فَأَقِمُْوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا^۳.

نماز اقامه کنید، زیرا نماز وظیفه ثابت و معینی برای مؤمنان است.

امام باقر عليه السلام کلمه «موقوتا» را در این آیه به معنای «موجوباً» یا «مفروضاً» تفسیر نموده است. امام صادق عليه السلام این کلمه را به معنای «ثابتاً» نیز تفسیر کرده است، بحث از وجوب نماز چندان ضروری بنظر نمی‌رسد، چرا که کسی در آن شبهه‌ای ندارد، لذا در اینجا به آیات و نیز اخبار شدید اللحنی که در خصوص تارك الصلوة و عاقبت غفلت او از وجوب نماز وارد شده است، اشاره می‌کنیم.

إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ * فِي جَنَاتٍ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ الْمُجْرِمِينَ * مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ^۴.

اهل بهشت «اصحاب یمین» از جهنمیان می‌پرسند، چه چیزی شما را به جهنم وارد کرد. آنان می‌گویند، ما

^۱ - (همان، ج ۷۲، ص ۳۰۴).

^۲ - (همان، ج ۷۲، ص ۳۰۱).

^۳ - (سوره نساء، آیه ۱۰۳).

^۴ - (سوره مدثر، آیات ۳۹ - ۴۳).

از
نمازگزاران نبودیم .
بهشتیان در بهشت، اهل جهنم را مورد خطاب قرار داده و
می‌پرسند، چه چیز موجب شد
شما در سقر گرفتار شوید؟

بنا بر روایتی که تفسیر علی ابن ابراهیم قمی از آیه ۴۴ سوره حجر لها سَبْعَةَ أَبْوَابٍ... به نقل از امام باقر علیه السلام نقل می‌نماید، سقر، ذَرَك سوم جهنم می‌باشد.

اهل جهنم به چهار گناه خود به عنوان علت ورودشان به این طبقه از آتش اشاره می‌کنند، که به ترتیب عبارت‌اند از: ترك نماز، ترك انفاق، همنشینی با اهل گناه، تکذیب قیامت.

این آیه به صراحت تارك نماز را اهل آتش می‌داند. روایات عدیده‌ای از معصومین علیهم السلام دال بر کفر آنکه عمداً و بدون علت ترك نماز نموده باشد وارد شده است که از جمله آنها.

قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: **بَيْنَ الْإِيمَانِ وَالْكَفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ**^۱.
بین ایمان و کفر، ترك نماز فاصله است. «نماز خوان مؤمن، و تارك آن کافر است».
و ایضا عنه صلی‌الله‌علیه‌وآله: **مَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ حَتَّى تَفُوتَهُ مِنْ غَيْرِ عَذْرٍ فَقَدْ حَيَّطَ عَمَلُهُ**^۲.

کسی که نمازش را بدون عذر ترك کند تا فوت گردد، عملش (اعمال دیگرش) نابود شده است. گناه ترك نماز چنان بزرگ است که، بنا بر روایتی از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله، خنده بر صورت تارك نماز نیز؛ تبعات مهلکی چون گناه ویران کردن خانه کعبه را به دنبال دارد.

مَنْ تَبَسَّمَ فِي وَجْهِهِ تَارِكِ الصَّلَاةِ فَكَأَنَّمَا هَدَمَ الْكَعْبَةَ سَبْعِينَ مَرَّةً^۳.

کسی که بر صورت بی نماز بخندد، مثل آن است که هفتاد بار خانه خدا را خراب کرده باشد. علاوه اینکه اعانت و یاری بی‌نماز نیز تبعات شدیدی به همراه دارد، و بشدت نکوهش شده است.

قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: **مَنْ أَعَانَ تَارِكِ الصَّلَاةِ بِلُقْمَةٍ أَوْ كَسْوَةٍ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ سَبْعِينَ نَبِيًّا أَوْ لُحْمٌ أَدَمَ وَآخِرُهُمْ مُحَمَّدٌ** صلی‌الله‌علیه‌وآله^۴.

کسی که به غذایی یا لباسی، بی نماز را یاری دهد مانند این است که هفتاد پیامبر خدا که اولین آنان آدم ابوالبشر علی

نبینا و آله و علیه السلام و آخرین آنان پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله باشد به قتل رسانده باشد.

قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: **مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَإِذَا مَاتَ لَا يُغْسَلُ وَلَا يُكْفَنُ وَلَا يُدْفَنُ فِي قُبُورِ الْمُسْلِمِينَ**^۵.

^۱- (کنز العمال، ۱۸۸۶۹).

^۲- (بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۲۰۲).

^۳- (لغالی الأخبار، باب ۸، ص ۳۹۵).

^۴- (جامع الأخبار، ص ۸۷).

^۵- (جامع الاخبار، ۲۲۵).

کسی که سه روز نماز را ترك کند، اگر بمیرد، غسل داده نشود، کفن نگردد و در قبرستان مسلمین دفن نشود. البته هر

چند این روایت حکم تکلیفی در مورد تجهیز میّت را نمی‌تواند بیان کند، ولی اهمیت بسیار زیاد نماز و عقوبت شدید

ترك آن را می‌رساند.

مخزن الواعظین آورده است، شخصی خدمت حضرت رسالت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رسید و از فقر خود

شکوه نمود. حضرت فرمودند: نماز نمی‌خوانی؟ عرض کردند پنج بار، با شما می‌خوانم. فرمودند: در خانه تو کسی است که نماز نمی‌خواند، عرض کرد همه می‌خوانند... جبرئیل امین علیه السلام عرضه داشت یا رسول‌الله در فلان بیابان شخصی تارک الصلوة مرده است و کلاغی، استخوان کوچکی از وی را بر درختی در خانه این مرد گذاشته است، بگو بردارد تا وسیله معیشت وی فراهم شود. هرچند صحت و سقم این خبر نزد بعضی ممکن است مورد شك و تردید باشد اما آنچه که در این خبر آمده است، با اصول مسلم اسلام منطبق است. این همه تأکیدها و ذکر عقوبتهای شدید برای ترک نماز، به این جهت است که نماز ستون دین محسوب می‌شود و بدون این فریضه هیچ چیزی باقی نمی‌ماند. انبیای الهی، مصاحف آسمانی، کعبه و همه مقدّسات دیگر، می‌خواهند نماز را ترویج دهند، لذا آن کس که نماز نخواند مثل این است که آرمان همه آنها را نادیده گرفته باشد و این حتی از کشتن آنان بالاتر است.

اصناف نمازگزاران

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: **أُمَّتِي عَلَى أَرْبَعَةِ أَصْنَافٍ، صِنْفٌ يُصَلُّونَ وَلَكِنَّهُمْ فِي صَلَوَاتِهِمْ سَاهُونَ، فَكَانَ لَهُمُ الْوَيْلُ، وَالْوَيْلُ إِسْمٌ ذَرَكَةٌ مِنْ ذَرَكَاتِ جَهَنَّمَ** قال الله تعالى: **فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ.** و**صِنْفٌ يُصَلُّونَ أَحْيَانًا وَلَا يُصَلُّونَ أَحْيَانًا، فَكَانَ لَهُمُ الْغِيُّ وَالغِيُّ إِسْمٌ ذَرَكَةٌ مِنْ ذَرَكَاتِ جَهَنَّمَ** قال الله تعالى: **فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا.** و**صِنْفٌ لَا يُصَلُّونَ أَبَدًا فَكَانَ لَهُمْ سَقَرٌ، وَسَقَرٌ إِسْمٌ ذَرَكَةٌ مِنْ ذَرَكَاتِ جَهَنَّمَ** قال الله تعالى: **مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ.** و**صِنْفٌ يُصَلُّونَ أَبَدًا وَهُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ** قال الله تعالى: **قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ.**^۱ اَمّت من بر چهار دسته‌اند: دسته‌ای نماز می‌خوانند ولی سهل انگارند، جایگاه اینان «ویل» است و ویل اسم ذرکی از

ذرکات جهنم است، خدا می‌فرماید: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» (سوره ماعون، آیات ۴ - ۵). و دسته‌ای گاهی می‌خوانند و گاهی ترک می‌کنند. جایگاه

^۱ - (سوره مدثر، آیه ۴۰ - ۴۳).

اینان «غی» است و آن اسم دَرکی از درکات جهنم است، خدا می‌فرماید «فَخَلَفَ مِنْ بَعدِهِمْ...» (سوره مریم، آیه ۵۹).
و دسته‌ای اصلاً نماز نمی‌خوانند، جایگاه اینان «سقر» است و سقر اسم درکه‌ای از درکات جهنم است، خدا می‌فرماید

«ما سَلَكُكُمْ فِي سَقَرٍ» (سوره مؤمنون، آیات ۱ و ۲).
دسته‌ای همیشه نماز اقامه می‌کنند و در آن خشوع می‌ورزند، خداوند درباره این عده می‌فرماید «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ...»

نتیجه

نکاتی که به اهمیت نماز می‌پردازد، چون تکرار بحث از بجا آوردن نماز در قرآن، وجوب ابتدائی آن، افضلیت نماز و...، نیز مواردی که از عوامل ردّ نماز شمرده می‌شود و همچنین آثار بسیار منفی ترك این فریضه، از جمله مؤیداتی است که ما را به این نکته سوق می‌دهد که مهم‌ترین واجب تکلیفی در بین تمامی تکالیف عملی، نماز است. فریضه‌ای که سایر فرائض در پرتو وجودی آن حیات می‌گیرند.